

خلاصه بحث

در مورد ابتدای وقت عشاء بین اصحاب اختلاف واقع شده است و منشأ این اختلاف در فتوا، اختلاف نصوص است.

به نظر ما حق با مشهور است و وقت نماز عشاء پس از آنکه به مقدار سه رکعت از اول غروب گذشت آغاز می شود.

در مورد پایان وقت نماز مغرب نیز با مشهور هم نظر هستیم و قائلیم که وقت نماز مغرب تا قبل از آنکه به مقدار چهار رکعت به نیمه شب وقت باقی باشد، ادامه دارد.

آغاز وقت نماز عشاء

بیان شد که مشهور قائل به این هستند که وقت نماز عشاء بلافاصله پس از نماز مغرب آغاز می شود، و صاحب جواهر از این قول، تعبیر به شهرت عظیمه کرده است.

در مقابل نیز شیخ مفید و شیخ طوسی و برخی مانند سلار قائل شده اند که وقت نماز عشاء پس از ذهاب حمرة مغریه است. منشأ این اختلاف، اختلاف نصوص است.

دو طایفه روایت داریم که یک طایفه روایات مستفیضه ای هستند که صراحت بر جواز اقامه نماز عشاء قبل از ذهاب حمرة مغریه دارند، و یک طایفه هم دو روایت هستند که ظهور یا به قولی می توان گفت صراحت در این دارند که نماز عشاء پس از ذهاب حمرة مغریه خوانده می شود.

طایفه دوم مطابق با قول عامه است، و به همین جهت می توان این طایفه را حمل بر تقیه کرد.

برخی نیز حملی را برای طایفه دوم بیان کرده اند و آن هم حمل بر استحباب موکد است، یعنی خواندن نماز عشاء پس از ذهاب حمرة مغریه استحباب موکد دارد.

به هر حال راه حل جمع بین این دو دسته از روایات این است که طایفه دوم را حمل بر تقیه کنیم، و یا اینکه حمل بر استحباب موکد نماییم.

ادامه نصوص طایفه اول

صحیحه ابو عبیده

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ يَعْنِي ابْنَ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا كَانَتْ لَيْلَةٌ مُظْلِمَةٌ وَ رِيحٌ وَ مَطَرٌ صَلَّى الْمَغْرِبَ ثُمَّ مَكَثَ قَدْرَ مَا يَنْتَقِلُ النَّاسُ ثُمَّ أَقَامَ مُؤَذِّنُهُ ثُمَّ صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ ثُمَّ انْصَرَفُوا»^۱.

این روایت بیان می کند که حضرت در چنین شب هایی که ظلمانی بود یا باد و باران بود و ذهاب حمزه مغربیه مشخص نمیشد، پس از اقامه نماز مغرب قدری صبر می کردند تا نافله مغرب خوانده شود و سپس نماز عشاء را اقامه می فرمودند. هرچند که به این روایت برای قول مشهور تمسک شده است ولی ممکن است برای قول شیخان نیز به این روایت تمسک شود، چون شیخان هم تقدم نماز برای معذورین را جایز می دانستند.

صحیحه زراره

وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِالنَّاسِ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ قَبْلَ الشَّفَقِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فِي جَمَاعَةٍ وَ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِيَتَسَبَّحَ الْوَقْتُ عَلَى أُمَّتِهِ»^۲.

این روایت تقدیم نماز مغرب بدون هیچ علتی مثل باد و باران را جایز می داند، بنابراین کاملاً در مقابل قول شیخان است و دلالت بر قول مشهور دارد.

صحیحه زراره

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ قَبْلَ سُقُوطِ الشَّفَقِ فَقَالَا لَا بَأْسَ بِهِ»^۳.

^۱ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۴۸، أبواب المواقی، باب ۲۲، ح ۳، ط الإسلامية.

^۲ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۴۸، أبواب المواقی، باب ۲۲، ح ۲، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۸

این روایت هم صریح در جواز تقدیم است.

موثقہ اسحاق بن عمار

و عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامَ نَجْمُ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي الْحَضَرِ قَبْلَ أَنْ يَغِيبَ الشَّفَقُ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ قَالَ لَا بَأْسَ»^۴.

این روایت هم صریح در جواز تقدیم نماز عشاء بدون علت و برای غیر معذورین است.

در برخی از نسخ و سائل تعبیر «عن سعد بن محمد بن الحسن» آمده که اشتباه است. و عبارت صحیح این است: «عن سعد بن محمد بن الحسن».

مراد از سعد، سعد بن عبدالله اشعری قمی است، و مراد از محمد بن الحسن، ابی جعفر زیات است.

صحیحہ حلبی

و بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِأَنْ تُعَجَّلَ عِشَاءُ الْآخِرَةِ فِي السَّفَرِ قَبْلَ أَنْ يَغِيبَ الشَّفَقُ»^۵.

این روایت در مورد سفر است و تقدیم را در این صورت جایز می داند.

مرسل داود

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي يَزِيدَ وَ هُوَ دَاوُدُ بْنُ فَرْقَلَدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ حَتَّى يَمْضِيَ مِقْدَارُ مَا يُصَلِّي الْمُصَلِّي ثَلَاثَ رَكَعَاتٍ فَإِذَا مَضَى ذَلِكَ

وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۴۸، أبواب المواقيت، باب ۲۲، ح ۵، ط الإسلامية ۳.

وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۴۹، أبواب المواقيت، باب ۲۲، ح ۸، ط الإسلامية ۴.

وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۴۸، أبواب المواقيت، باب ۲۲، ح ۴، ط الإسلامية ۵.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۸

فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ حَتَّى يَبْقَى مِنْ انْتِصَافِ اللَّيْلِ مِقْدَارُ مَا يُصَلِّي الْمُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَإِذَا بَقِيَ مِقْدَارُ ذَلِكَ فَقَدْ خَرَجَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ وَبَقِيَ وَقْتُ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ إِلَى انْتِصَافِ اللَّيْلِ»^۶

این روایت صراحت دارد که وقت نماز عشاء پس از اقامه نماز مغرب آغاز می شود و تاخیر تا پس از ذهاب حمرة مغریه لازم نیست.

روایاتی که تا اینجا خواندیم مربوط به طایفه اول بودند که بر قول مشهور دلالت دارند.

طایفه دوم، روایاتی هستند که برای قول شیخ مفید و شیخ طوسی به آنها استدلال شده است.

طایفه دوم

صحیحه عمران بن علی حلبی

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَتَى تَجِبُ الْعَتَمَةُ قَالَ إِذَا غَابَ الشَّفَقُ وَالشَّفَقُ الْحُمْرَةُ فَقَالَ عُبَيْدُ اللَّهِ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّهُ يَبْقَى بَعْدَ ذَهَابِ الْحُمْرَةِ صَوٌّ شَدِيدٌ مُعْتَرِضٌ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الشَّفَقَ إِنَّمَا هُوَ الْحُمْرَةُ وَ لَيْسَ الصَّوُّ مِنَ الشَّفَقِ»^۷

حضرت در این روایت، وقت نماز عشاء را هنگامی دانسته اند که شفق یا همان حمرة مغریه از بین برود.

سپس راوی یک سوال موضوع شناسی هم پرسیده است که آیا روشنایی سفید رنگی که در آسمان باقی می ماند نیز جزو شفق است؟ که حضرت این را نفی کرده اند و مصداق شفق ندانسته اند.

تعبیری که در این روایت ذکر شده است «متی تجب» است. مستدلین به این روایت گفته اند که ظاهر این تعبیر این است که وقت نماز عشاء همین زمان است و قبل از آن واجب و مشروع نیست. ولی مخالفین می گویند که به قرینه روایات طایفه اول

^۶ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۳۴، أبواب المواقيت، باب ۱۷، ح ۴، ط الإسلامية.

^۷ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۴۹، أبواب المواقيت، باب ۲۳، ح ۱، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۸

می فهمیم که مراد از این وجوب، استحباب موکد است، یعنی نماز عشاء را بلافاصله پس از نماز مغرب و قبل از ذهاب حمرة مغربیه می توان خواند ولی مستحب موکد این است که تا هنگام ذهاب حمرة صبر کنند.

ممکن است کسی بگوید لفظ «تجب» قابل حمل بر استحباب نیست، ولی این حرف صحیح نیست و فقهاء در مختلف ابواب فقهی، در جایی که قرینه ای بر خلاف داشته باشند لفظ وجوب را حمل بر استحباب موکد می کنند. چون لفظ وجوب، صریح در الزام نیست، بلکه ظهور در الزام دارد، و با وجود قرینه، قابل حمل بر استحباب نیز هست.

اگر کسی این حمل را نپذیرد و تعارض بین دو طایفه را مستقر بداند، در مقام ترجیح باید طایفه اول مقدم بشود، چون طایفه دوم موافق با مذهب جمیع عامه است و حمل بر تقیه می شود. و همچنین طایفه اول شهرت روایی دارند ولی طایفه دوم فقط دو صحیحه هستند و مشهور نیستند.

صحیحه بکر بن محمد

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَنَّهُ سَأَلَهُ سَائِلٌ عَنْ وَقْتِ الْمَغْرِبِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ لِإِبْرَاهِيمَ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي - فَهَذَا أَوَّلُ الْوَقْتِ وَ آخِرُ ذَلِكَ غَيْبُوبَةُ الشَّفَقِ وَ أَوَّلُ وَقْتِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ ذَهَابُ الْحُمْرَةِ وَ آخِرُ وَقْتِهَا إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ يَعْنِي نَضْفَ اللَّيْلِ».^۸

اول وقت نماز عشاء در این روایت، ذهاب حمرة بیان شده است، که می تواند برای قول شیخان به آن استدلال شود، ولی مخالفان جواب می دهند که این تعبیر قابل حمل بر اول وقت فضیلت نیز هست.

بنابراین به نظر ما حق با مشهور است و پس از آنکه به مقدار سه رکعت از اول مغرب گذشت، وقت مشترک نماز مغرب و عشاء آغاز می شود و نیاز نیست که تا ذهاب حمرة مغربیه صبر شود.

انتهای وقت نماز مغرب

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۲۷، أبواب المواقیت، باب ۱۶، ح ۶، ط الإسلامیة. ۸

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۸

در مورد پایان وقت نماز مغرب بین اصحاب اختلاف شده است.

مشهور قائل هستند که از ابتدای غروب شرعی به مقدار سه رکعت وقت اختصاصی نماز مغرب است، و قبل از نیمه شب نیز به مقدار چهار رکعت وقت اختصاصی نماز عشاء است، و بین این دو به عنوان وقت مشترک نماز مغرب و عشاء بیان شده است. با این حساب، انتهای وقت نماز مغرب تا قبل از چهار رکعت باقی مانده به نیمه شب است.

این قول مشهور بود، اما برخی قائل هستند که پایان وقت نماز مغرب، تا قبل از ذهاب حمرة مغریه است، و با ذهاب حمرة مغریه وقت نماز مغرب تمام می شود.

برخی نیز قائل هستند که وقت نماز مغرب تا ربع لیل ادامه دارد، و برخی این وقت را برای معذورین دانسته اند.

مراد از ربع لیل این است که کل شب از اذان مغرب تا طلوع فجر صادق را حساب کنیم و بینیم که چند ساعت است و یک چهارم آنرا به عنوان وقت حساب کنیم.

صاحب حدائق فرموده است:

«اختلف الأصحاب (رضوان الله عليهم) في آخر وقت المغرب، فالمشهور أنه إلى ان يبقى لانتصاف الليل مقدار أداء العشاء، و هو اختيار السيد المرتضى في الجمل و ابن الجنيد و ابن زهرة و ابن إدريس و المحقق و ابن عمه نجيب الدين و سائر المتأخرين، و قال الشيخ في أكثر كتبه آخره غيبوبة الشفق المغربي للمختار و ربع الليل مع الاضطرار و به قال ابن حمزة و أبو الصلاح، و قال في الخلاف آخره غيبوبة الشفق و أطلق و به قال ابن البراج، و قال الشيخ المفيد آخر وقتها غيبوبة الشفق و هو الحمرة في المغرب و المسافر إذا جدَّ به السير عند المغرب فهو في سعة من تأخيرها إلى ربع الليل، و هو كقول الشيخ المتقدم. و قال السيد المرتضى في المسائل الناصرية آخر وقتها مغيب الشفق الذي هو الحمرة و روى ربع الليل و حكم بعض أصحابنا ان وقتها يمتد الى نصف الليل ... و السبب في اختلاف هذه الأقوال اختلاف الأخبار الواردة في المقام»^۹.

ایشان اقوال مختلف را در مورد انتهای وقت نماز مغرب برای مختار و مضطر بیان کرده اند.

صاحب جواهر نیز چنین فرموده است:

^۹ الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، البحراني، الشيخ يوسف، ج ۶، ص ۱۷۵.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۸

«و أما المغرب فقد عرفت البحث في أوله، كما أنك عرفت ما يدل على أن آخره الانتصاف من غير تقييد بالاضطرار من الآية و النصوص و الإجماع المحكي المؤيدة بالشهرة العظيمة التي كادت تكون إجماعاً، بل لعلها كذلك، و بمخالفة العامة و موافقة السهولة و السماحة»^{۱۰}

ایشان فرموده که وقت نماز مغرب تا نیمه شب ادامه دارد و این وقت، اختصاص به معذورین و مضطربین ندارد.

اجماع محکی و شهرت عظیمه هم بر همین قول قائم است، و قول دیگر، موافق با عامه است. چون عامه قائل هستند که نماز مغرب از اول غروب تا ذهاب حمرة مغریه است، و نماز عشاء از ذهاب حمرة مغریه آغاز می شود.

شیخ انصاری نیز در مورد وقت نماز مغرب چنین فرموده است:

«الأظهر امتداد وقت المغرب إلى أن يبقى لانتصاف الليل مقدار أربع، فإذا بقي هذا المقدار اختصّ الوقت بالعشاء، و هو المحكي عن السيد و ابن الجنيد و ابن زهرة و ابن إدريس محكيًا عنه دعوى الإجماع، و نسب هذا القول إلى المشهور»^{۱۱}

به هر حال اجماع نداریم ولی شهرت عظیمه داریم که وقت نماز مغرب تا وقتی که به مقدار چهار رکعت به نیمه شب باقی مانده باشد ادامه دارد.

نصوص صحیحه صریحه هم داشتیم که وقت نماز مغرب را به همین صورت بیان کرده بودند. و علاوه بر آن نصوصی که قبلاً بیان کردیم، در اینجا هم نصوص دیگری را ذکر کرده ایم که دلالت بر همین مطلب دارند.

روایت عبید بن زراره

وَ إِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنِ الضَّحَّاكِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ عُيَيْنَةَ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ أَرْبَعَ صَلَوَاتٍ أَوَّلُ وَفَتْهَا زَوَالُ

جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ۷، ص ۱۵۰، ۱۰.

كتاب الصلاة، الشيخ مرتضى الأنصاري، ج ۱، ص ۱۸۰.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۸

الشَّمْسُ إِلَى انْتِصَافِ اللَّيْلِ مِنْهَا صَلَاتَانِ أَوَّلُ وَفَتْهُمَا مِنْ عِنْدِ زَوَالِ الشَّمْسِ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ وَ مِنْهَا صَلَاتَانِ أَوَّلُ وَفَتْهُمَا مِنْ غُرُوبِ الشَّمْسِ إِلَى انْتِصَافِ اللَّيْلِ إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ.^{۱۲}

روایت دیگر عبید بن زرارہ

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْقَاسِمِ مَوْلَى أَبِي أَيُّوبَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاتَيْنِ إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ وَإِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاتَيْنِ إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ».^{۱۳}

به هر حال همانطور که گفتیم نصوص صریحه صحیحه داریم که وقت نماز مغرب را تا چهار رکعت قبل از نیمه شب بیان کرده اند، و علاوه بر آن روایات، در اینجا هم چند روایت داریم.

هرچند که این دو روایتی که الان ذکر کردیم ضعیف السند هستند، ولی حتی نیاز به جبر ضعف سند هم نداریم، چون روایات صحیحه در این باب داریم و قبلا ذکر کرده ایم.

امتداد وقت نماز مغرب تا ذهاب حمرة مغریه

بیان شد که برخی از علماء مانند شیخ طوسی قائل هستند که پایان وقت نماز مغرب، ذهاب حمرة مغریه است.

برای این قول به برخی از روایات تمسک شده است.

صحیحه زرارہ و فضیل

و بِالْإِسْنَادِ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ الْفُضَيْلِ قَالَا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ لِكُلِّ صَلَاةٍ وَفْتَيْنِ غَيْرِ الْمَغْرِبِ فَإِنَّ وَفَّتَهَا وَاحِدٌ وَ وَفَّتَهَا وَجُوبُهَا وَ وَقْتُ فَوْتِهَا سُقُوطُ الشَّفَقِ».^{۱۴}

تعبیر «وقت فوتها سقوط الشفق» صریح در این است که با ذهاب حمرة مغریه وقت نماز مغرب هم تمام می شود.

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۱۵، أبواب المواقیت، باب ۱۰، ح ۴، ط الإسلامیة. ۱۲

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۳۲، أبواب المواقیت، باب ۱۶، ح ۲۴، ط الإسلامیة. ۱۳

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۳۷، أبواب المواقیت، باب ۱۸، ح ۲، ط الإسلامیة. ۱۴

خبر اسماعیل بن مهران

و عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ جَمِيعاً عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: «كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَنْ قَالَ فَكَتَبَ كَذَلِكَ الْوَقْتُ غَيْرَ أَنْ وَقَتِ الْمَغْرِبِ صَبِيحٌ وَ آخِرَ وَقْتِهَا ذَهَابُ الْحُمْرَةِ وَ مَصِيرُهَا إِلَى الْبَيَاضِ فِي أَفْقِ الْمَغْرِبِ».^{۱۵}

این روایت هم دلالتش خوب است، منتهی ضعیف السند است.

صحیحہ ذریح

وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ جَبَلَةَ عَنْ ذَرِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَنَّ جَبْرِئِيلَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - فِي الْوَقْتِ الثَّانِي فِي الْمَغْرِبِ قَبْلَ سُقُوطِ الشَّفَقِ».^{۱۶}

استدلال بر این روایت متفرع بر این است که مراد از وقت ثانی در این روایت، منتهای وقت نماز مغرب باشد، یعنی جبرئیل در منتهای وقت نماز مغرب که قبل از سقوط شفق بود بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل گردید.

منتهی احتمال دیگری هم هست و آن اینکه مراد از وقت ثانی، همان وقت فضیلت باشد، که در این صورت دیگر نمی توان برای این قول به این روایت تمسک کرد.

صحیحہ بکر بن محمد

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَنَّهُ سَأَلَهُ سَائِلٌ عَنْ وَقْتِ الْمَغْرِبِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ لِإِبْرَاهِيمَ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي - فَهَذَا أَوَّلُ الْوَقْتِ وَ آخِرُ ذَلِكَ غَيْبُوبَةُ الشَّفَقِ وَ أَوَّلُ وَقْتِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ ذَهَابُ الْحُمْرَةِ وَ آخِرُ وَقْتِهَا إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ يَعْنِي نِصْفَ اللَّيْلِ».^{۱۷}

وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۳۷، أبواب المواقيت، باب ۱۸، ح ۴، ط الإسلامية. ۱۵

وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۳۸، أبواب المواقيت، باب ۱۸، ح ۱۳، ط الإسلامية. ۱۶

وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۲۷، أبواب المواقيت، باب ۱۶، ح ۶، ط الإسلامية. ۱۷

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۸

این روایت ظهور دارد در این که مراد از اول وقت نماز مغرب، اول وقت مشروعیت است، و مراد از آخر وقت نیز آخر وقت مشروعیت است، بنابراین، روایت ظهور در این دارد که وقت نماز مغرب با ذهاب حمرة مغریه تمام می شود. منتهی این تعبیر قابل حمل است و می توان گفت که آخر وقت فضیلت را بیان کرده است.

به هر حال اگر هم حمل نشود، و تعارض شود، باز هم طایفه ای که وقت نماز مغرب را تا قبل از نیمه شب باقی می داند مقدم است، چون شهرت روایی دارند.